گفتگو
با جناب ضرابی

عوامل و موانع ملت سازی در کشور

پروفیسور دکتور لعل زاد

لندن، ۱۰ مارچ ۲۰۲۳

عناوین

- تعریف برخی مفاهیم: هویت، قوم، ملت، دولت، ملت/دولت سازی، دولت/هویت/وحدت ملی
- پیشینه واژه های افغان و افغانستان
- پیشینه واژه خراسان
- روند دولت-ملت سازی در افغانستان (قومی: افغان/پشتو/پشتون سازی): پیشینه مرض
- راه حل/برونرفت: دولت-ملت سازی عادلانه (دموکراتیک/شهروندی): تداوی مرض
- نیازهای عمده شرایط کنونی

تذکر کوتاه در مورد محتوای مطالب

* هر آنچه گفته می شود، بر بنیاد «اسناد و منابع تاریخی» است، نه «تحلیل» ها!

* تمام اسناد و منابع «دست اول و معتبر» اند، نه «نقل قول» ها!

* اگر اسنادی مانده باشد و یا در جایی اشتباه شده باشد، با ذکر اسناد پذیرفته می شود!

دو مشخصه بارز دوران ما: تجزیه دولت‌ها و ایجاد ملت‌ها!

*** تجزیه و فروپاشی دولت‌های چندقومی، بویژه «متمرکز»** (شوروی، یوگوسلاویا، چکوسلواکیا، حبشه، پاکستان، هند، اندونزی، سریلانکا، نایجیریا وغیره)؛

*** شکل‌گیری و ایجاد واحدهای قومی/سیاسی جدید و گذار به «ملت»ها** (سکاتلند، کیوبیک، کاتالونیا، باسک، کردستان، کشمیر، پنجاب، تیمورشرقی وغیره).

هویت: ویژگی‌های که یک فرد (یا گروهی از افراد) خود را با آن‌ها معرفی می کند یا متمایز می سازد (هویت می تواند اصلی، جعلی، طبیعی، کسبی، انتخابی، تحمیلی و یا ملی، قومی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، مسلکی وغیره باشد).

قوم: یک مقوله «**زبانی-فرهنگی**» است که در اثر «کوچندگی/انزوا»، «اجبار/تحمیل» وغیره عوامل در درازنای سده‌ها بوجود می آید!

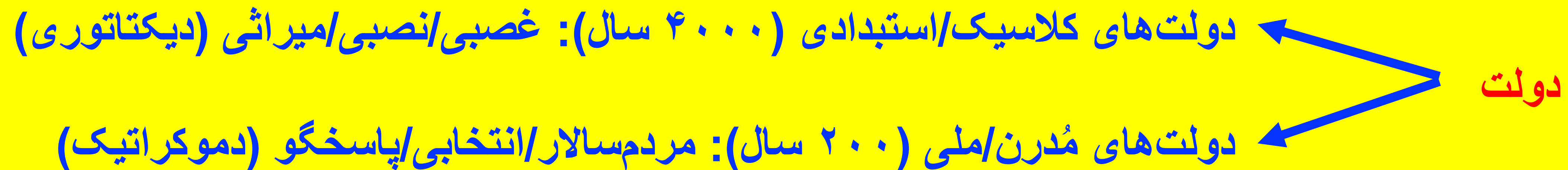
ملت: یک مقوله «**حقوقی-سیاسی**» است که در دو-سه سده اخیر (یا دوره سرمایه داری) بوجود آمده و توسط «**دولت**»ها ساخته می‌شود:

* در «**دولتهای دیکتاتوری**» بر بنیاد زور، تحمیل (هویت، زبان و فرهنگ) و «**رعیت/تبعه سازی**» (**ملتسازی تحمیلی و ناپایدار**)!

* در «**دولتهای دموکراتیک**» بر بنیاد ارزش‌های انسانی/دموکراتیک، اتحاد داوطلبانه و «**شهروندسازی**» (**ملتسازی داوطلبانه و پایدار**)!

نگرش ۱. برخی «**واحدهای قومی-سیاسی**» وجود دارد که با نمایش برخی شاخص‌های «**احساس ملی**» (**آگاهی تاریخی/قومی و حرکت قومی/سیاسی**) در صدد ایجاد دولت‌های خودی اند و دولت‌های حاکم را در اثر مبارزه/مقاومت، وادار به عقب‌نشینی، سازش و واگذاری نوعی حاکمیت (فدرالی) کرده‌اند که موافق اصل «**حق ملل در تعیین سرنوشت خویش**» و مخالف اصل «**تمامیت ارضی**» کشورهاست (**فدرالیزم مقدمه‌ی جدایی/تجزیه است**)!

نگرش ۲. مفاهیمی مانند «**قوم پشتون**»، «**ملت افغان**» پدیده‌های غیرطبیعی اند که در ۱۰۰ سال اخیر یا تقسیم سایر اقوام به دهها گروه کوچک قومی (حتی در دوره کرزی/احمدزی)، به منظور سیاسی توسط «**دولت**» ساخته شده اند!



اول – دولت های کلاسیک: با گذار از **ملوک الطوایفی** به **امپراتوری/شاهنشاهی** ها بوجود آمدند:

* «**نهادهای محدود**» سیاسی برای «**تنظیم امور**» (**راننده/گرداننده** چرخ جامعه)؛

* «**قلمرو**»های اکثرا با نام خانوادگی حاکمان و ملکیت خدا (با ساختار «**غیرمتمرکز**»)؛

* «**مردم**» یا «**رعیت/تبعه**» («**باجگزار**»، «**خطبه خوان**» و «**سکه چلان**»)؛

* «**سرحدات**» طبیعی (مانند کوهها، دریاها و دشت‌ها یا مناطق بی صاحب یا حایل)، بدون مرز مشخص؛

* «**حاکمیت فرد**» معمولا «**دو لب زمامدار**» با تحمیل خواست‌ها/تمایلات حاکمان از طریق زور و فرمان)؛

نقش دولت در بدن، مثل سَر است «ماهی از سَر گنده گردد، نی ز دُم»

ایجاد مفاهیم جدید در دو سه سده اخیر

* سده ۱۷: **ایجاد مفهوم «دولت‌های مستقل» در اروپا:**

* **پیمان وستفالی** شناسایی/حق تساوی دولت‌ها یا آغاز سیستم مدرن بین المللی (۱۶۴۸)؛ مرزهای ملی به عنوان واحد سیاسی!

* عدم تعرض/مداخله در امور «**دولت های مستقل**» (حاکمیت بر سرزمین و مردم: جدایی بیش از ۳۰۰ واحد سیاسی از امپراتوری مقدس روم) و آغاز تهاجم اروپاییان به قاره‌های دیگر (آغاز استعمار با «**حس برتری و اسارت**»)؛ همگون سازی!

* سده ۱۸: «**انقلاب صنعتی انگلیس**» (۱۷۶۰)، «**استقلال امریکا**» (۱۷۷۶) و «**انقلاب کبیر فرانسه**» (۱۷۸۹) باعث ایجاد «**اندیشه**» های «**دولت – ملت**» یا «**دولت ملی**»: دولت‌های مستقل دارای «**شهروندان برابرحقوق**».

* سده ۱۹: ظهور «**جنبش‌های ملی (آزادی‌بخش)** با «**حس انتقام و خصومت**» و ایجاد «**دولت–ملت یا دولت ملی**» یا «**کشور**»های که «**ملت/شهروندان**» آن از «احساس ملی» (هماهنگی در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) برخوردارند!

* سده ۲۰: پذیرش اصل «**حق تعیین سرنوشت ملل**» پس از «**جنگ اول جهانی**»:

* ایجاد «**دولت‌های کوچک قومی-سیاسی متجانس‌تر**» پس از «**جنگ دوم جهانی**» که با مفهوم «**دولت–ملت**» هماهنگی بیشتر دارد (**اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸**).

دوم – دولت‌های ملی:

* برخاسته از اراده آزاد «**شهروندان**» (افراد برابرحقوق) در یک «**انتخابات دموکراتیک**»؛

* «**سرزمین**» دارای «**نام**» معین و ملکیت دولت، «**مرز**»های مشخص (بر روی زمین/نقشه)، گذرنامه و ویزه؛

* «**قوانین عادلانه**» (حاکمان پاسخگو، ساختار نامتمرکز و شهروندان برابرحقوق)؛

* **ملت سازی/شهروندسازی!**

* **حاکمیت قانون!**

یکی از وظایف اساسی دولت ملی تبدیل اقوام و قبایل به شهروند است!

چون واحد اساسی جامعه در یک دولت ملی «فرد/شهروند» است، نه قوم، قبیله، مذهب وغیره...

ملت‌سازی (داوطلبانه) [توسط دولت‌های ملی]

* شهروندسازی (پروسه دوامدار):

* تصویب/تطبیق قوانین عادلانه (حقوق شهروندی یا لغو هرگونه امتیاز و تبعیض بر بنیاد قوم، زبان، مذهب وغیره)؛

* ایجاد زمینه‌های مساوی رشد/توسعه برای تمام شهروندان (افراد برابرحقوق) بر بنیاد اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

* تبدیل اقوام و قبایل به شهروندان (افراد برابرحقوق یک کشور، صرفنظر از وابستگی های قومی، زبانی و مذهبی آن‌ها و دارای «حس اشتراکات سیاسی-حقوقی مساوی» با همدیگر؛ مگر بر حسب شایستگی)!

* هویت‌سازی (هویت/احساس ملی):

مجموعه «**نمادهای مشترک**» کشوری که مورد «پذیرش» همه شهروندان کشور و نمایانگر هویت واقعی آن‌ها باشد (تاریخ، زبان، پول، سرود، پرچم، تذکره، اسطوره وغیره)، نه نمادهای یک «قوم» خاص و «**تحمیل**» آن بالای دیگران!

* اعتمادسازی (وحدت ملی):

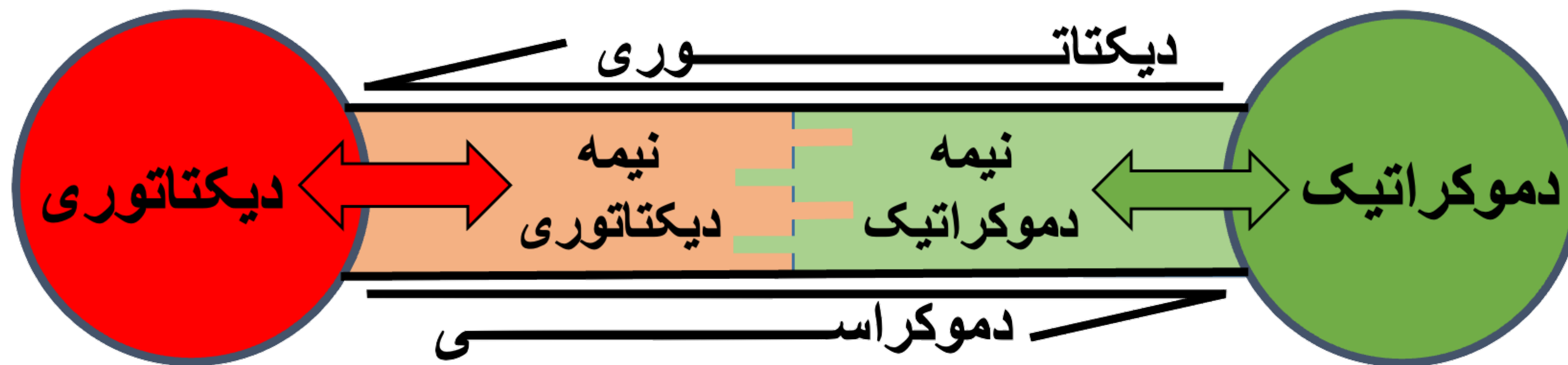
«**اتحاد داوطلبانه**» «**شهروندان**» (افراد برابرحقوق) در زیر یک «**حاکمیت/دولت ملی**» (که محصول انتخابات آزاد شهروندان است)، نه شعارهای دروغین و لفاظی‌های رنگین در زیر یک حاکمیت تکقومی!

دولت‌سازی

دولت توسط «**شیادان/عوامگرایان**» یا «**شهروندان/عدالتخواهان**» ساخته می‌شود:

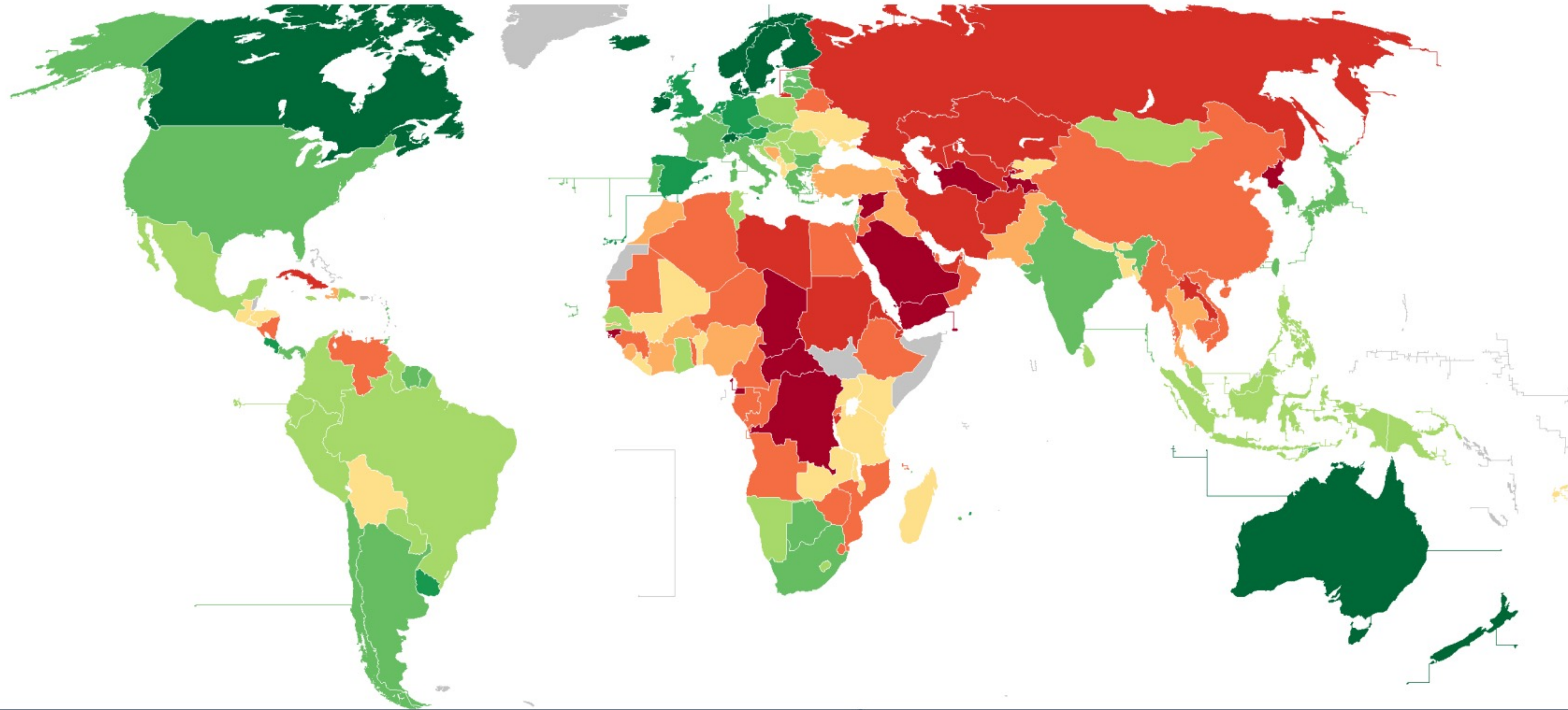
* **شیوه‌های دیکتاتوری/کلاسیک:** توسط شیادان/عوامگرایان بر بنیاد «**زور/تقلب**» و «**نیاز حاکمان**»؛

* **شیوه‌های دموکراتیک/مُدرن:** توسط شهروندان/عدالتخواهان بر بنیاد «**عدالت**» و «**نیاز شهروندان**»؛



عدالتخواهان/شهروندان ⟵ **مبارزه بی‌پایان/برگشت‌پذیر** ⟶ **عوامگرایان/شیادان**

معیار ارزیابی نظام‌ها: اکونومیست (دموکراسی، نیمه دموکراسی، نیمه دیکتاتوری، دیکتاتوری)



The Economist Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

* انتخابات/کثرتگرایی
* کارکرد حکومت
* مشارکت سیاسی
* فرهنگ سیاسی
* آزادی های مدنی

The Economist Intelligence Unit Democracy Index map for 2018

Full democracies	Flawed democracies	Hybrid regimes	Authoritarian regimes
9.01–10	7.01–8	5.01–6	3.01–4
8.01–9	6.01–7	4.01–5	2.01–3
			0–2

Type of regime	Score (s)	Number of countries	Percentage of countries	Percentage of world population
Full democracies	$8 < s$	20	12.0	4.5
Flawed democracies	$6 < s \leq 8$	55	32.9	43.2
Hybrid regimes	$4 < s \leq 6$	39	23.4	16.7
Authoritarian regimes	$s \leq 4$	53	31.7	35.6

پیشینه واژه‌های افغان و افغانستان

تمام اسناد و منابع تاریخی نشان می دهد که:

* واژه «افغان» پیشینه حدود ۱۰۰۰ ساله (به اساس حدودالعالم) دارد؛

* واژه «افغانستان» در کوههای سلیمان پیشینه حدود ۷۰۰ ساله (به اساس تاریخنامه هرات) دارد؛

* نام های «نخستین قبایل افغانی» پیشینه حدود ۶۰۰ ساله (به اساس آثار دوره امیرتیمور) دارد؛

* «نام های قبایل امروزی افغان» پیشینه حدود ۵۰۰ ساله (به اساس بابرنامه) دارد؛

* «ادبیات افغانی» و واژه «پتان» پیشینه حدود ۴۵۰ ساله (به اساس خیرالبیان و اسرارالافاغنه) دارد؛

* واژه های «پشتو/پشتون» پیشینه حدود ۴۰۰ ساله (به اساس مخزن الاسلام) دارد؛

* واژه «افغانستان» به عنوان نام کشور ما پیشینه حدود ۱۰۰ ساله (از اعلان استقلال در ۱۹۱۹ و معاهده با برتانیه) دارد؛

* قبایل مختلف «افغان/پشتون» منشای قومی گوناگون (هندی، یهودی، قبطی، هونی، ترکی، مغولی، ارمنی، تاجیکی وغیره) دارند.

پیشینه تاریخی – جغرافیایی سرزمین‌های ما

- **امپراتوری‌ها و شاهنشاهی‌ها در سرزمین‌های ما (ایران/خراسان):**

مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، کوشانیان، هفتالیان، عربان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، خوارزم شاهیان، غوریان، مغولان، تیموریان، صفویان، مغولان، غلجیان، ابدالیان؛

- **حکومت‌های «قوی مرکزی»، اما بدون «ساختار متمرکز»:**

هر ایالت/منطقه از «استقلال داخلی» سنتی برخوردار بود و هویت، زبان، فرهنگ و دین قوم/قبیله حاکم (به استثنای دوره سلطه اعراب) بالای دیگران «تحمیل» نمی شد!

تا زمان عبدالرحمن مناطق بدخشان، بلخ، فاریاب، هزارستان، کافرستان وغیره قسما به گونه مستقل و نیمه مستقل زندگی داشتند [یا در نهایت به حاکمیت‌های قوی‌تر از خود «باج» می دادند (خراج، خطبه و سکه)]!

اول – پیشینه واژه افغان و گسترش آن‌ها

تمام منابع و آثار موجود در مورد واژه/نام «افغان» را می توان به ۸ هشت دوره تقسیم کرد:

دوره اول – **شامل منابع دوره سامانیان، غزنویان، غوریان و آل کرت در سده های ۱۰ الی ۱۴ است که در آنها از «افغان» ها بصورت عام یاد شده** (واژه «افغان» بار نخست در حدود العالم، ۹۸۲ ذکر شده) **که در گستره «کوه های سلیمان» یا «افغانستان»** آن **روزگار زندگی داشتند و** (به قول البیرونی) **از نژاد هندوان اند. در این آثار از سرکوب و مطیع سازی آنها توسط غزنویان، غوریان و آل کرت هرات در کوه های سلیمان** (واقع در پاکستان امروزی) **یاد شده است.**

دوره دوم – **شامل منابع دوره آل مظفر در سده های ۱۴ و ۱۵ است که در آنها از «افغان های مغول» در کرمان ایران و شورش آنها به مقابل آل مظفر در سده ۱۴ یاد شده تا اینکه داستان آنها با سقوط آل مظفر توسط امیرتیمور به پایان رسیده است** (از مناسبات این «افغان های مغول» با «افغان های کوه های سلیمان» چیزی نمی دانیم).

دوره سوم – **شامل منابع دوره امیرتیمور گورکانی در سده ۱۵ است که در آن ها برای بار اول نام چند قبیله افغانی (**ورکونی، پرنیانی، کرکس و کلاتیان**) در کوه های سلیمان و سرکوب آنها توسط امیرتیمور و هم اسکان ۳۰۰ کس از قشون، سه اغلان جوجی نژاد و ۴۰۰ خانواده اوزبک در آن کوه ها ذکر شده است (**از سرنوشت این قبایل افغانی و ناقلین مغول/اوزبک چیزی نمی دانیم**).**

دوره چهارم – **شامل منابع دوره بابر در سده ۱۶ است که در آن ها برای بار نخست از قبایل امروزی افغان (**غلجی، بنگش، خوگیانی، توری، مهمند، دلزاک، یوسف زی، محمدزی، افریدی، وزیری وغیره**) و سرکوب آن ها در کوه های سلیمان و وادی کابل-پشاور توسط بابر یاد شده و نام زبان آن ها «افغانی» گفته شده است.**

دوره پنجم – **شامل منابع دوره مغولان هند در سده های ۱۶ الی ۱۸ و نشان دهنده ایجاد نخستین ادبیات زبان «افغانی/پشتو» و تاریخ سازی برای منشای افغان ها و قبایل مختلف آن ها (**اسراییلی، قبطی، عربی وغیره**) است.**

دوره ششم – شامل منابع دوره به قدرت رسیدن غلجی ها در قندهار/اصفهان (به ویژه سقوط صفویان در ۱۷۲۲**) و ابدالی ها در قندهار/کابل** (پس از قتل نادر افشار در ۱۷۴۷**) در سده ۱۸ است.**

دوره هفتم – شامل منابع دوره زوال ابدالی ها، ایجاد ملوک الطوایفی، آغاز بازی بزرگ در بین برتانیه و روسیه (لشکرکشی برتانیه به کابل در ۱۸۳۹ و ۱۸۷۹**) و ایجاد «منطقه/دولت حایل» در میان هند برتانوی و روسیه تزاری در سده ۱۹ است.**

دوره هشتم – شامل منابع دوره ایجاد کشور افغانستان در اواخر سده ۱۹ [«مرزبندی» کشور در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱)] و اوایل سده ۲۰ [«اعلان استقلال» توسط امان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹)] است.

برای نخستین بار با نشر مقاله محمود طرزی زیر نام «زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی» در «سراج الاخبار» ۱۹۱۳ (زمان امیرحبیب الله)، تخم برتری «قومی-زبانی افغان/پشتون» کاشته می شود و پروسه «افغان-سازی، پشتون-سازی و پشتو-سازی» ادامه می یابد.

دوم – پیشینه واژه افغانستان و گسترش آن

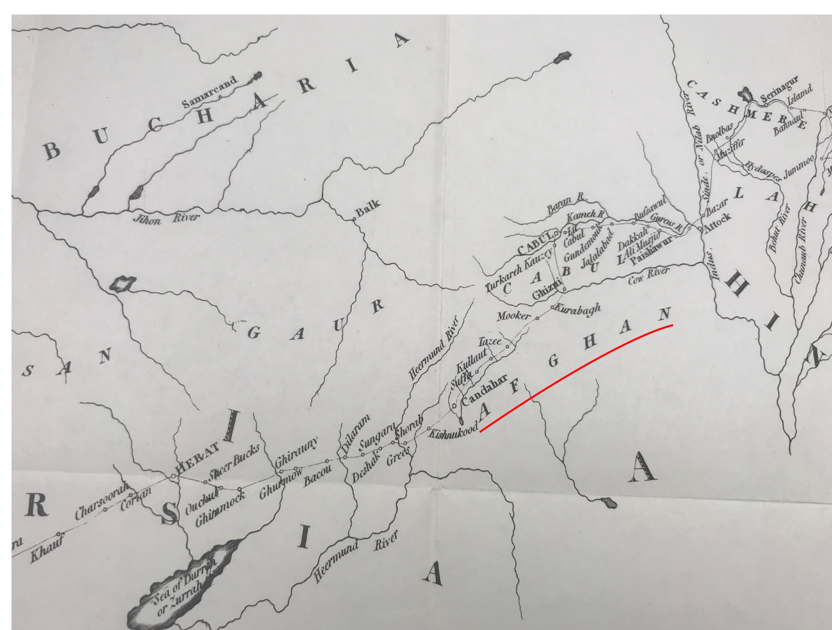
تمام منابع و آثار در مورد واژه/نام «افغانستان» را می توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

دوره اول – افغانستان یعنی نواحی کوههای سلیمان در پاکستان امروزی (از ۱۳۲۱ تا ۱۸۱۵)

واژه افغانستان بار نخست در تاریخنامه هرات (۱۳۲۱) شامل گستره کوههای سلیمان است؛ مرکز آن مستونگ (شهری در جنوب کویته/پاکستان امروزی) **و مِلِک های آنها «کُرد»هاست. مِلِک شمس الدین کرت مطابق فرمان منکوخان در سال های ۱۲۵۰ از هرات** (پایتخت آل کرت) **به ولایت افغانستان** (مستونگ و قلعه های مستحکم آنها در کوه های سلیمان تا رود سند) **لشکر کشیده و افغانستان تا رود سند را تابع قلمرو آل کرت هرات می سازد.**



نام/واژه «افغانستان» پس از تاریخنامه هرات (۱۳۲۱)، در تاریخ های زیادی (تا اوایل سده نزدهم) **با همان مفهوم سابق، یعنی گستره «کوههای سلیمان» ذکر شده که شامل کابل، غزنی و قندهار نیست.**

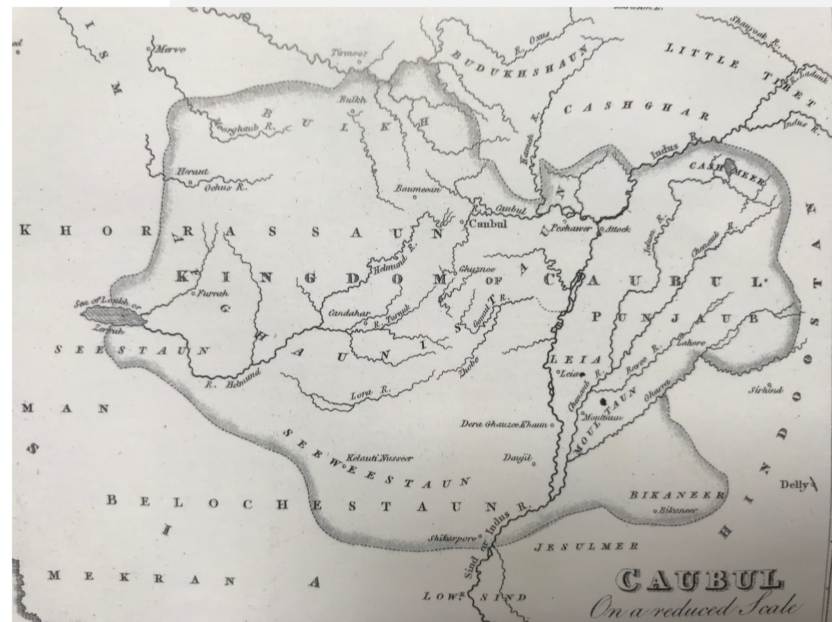


دوره دوم – افغانستان یعنی جنوب هندوکش (کابل و قندهار)
از ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۹ (در منابع انگلیسی)

واژه افغانستان بار نخست در ۱۷۹۸ در سفرنامه «جورج فاستر» و «بدون ذکر حدود» آن وارد ادبیات کمپنی هند برتانوی می شود.

امپراتوری درانی در اوایل سده ۱۹ فرو می پاشد؛

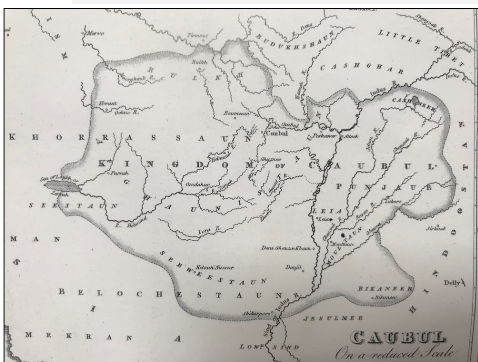
انگلیس ها با تشویش از پیشروی فرانسه (از طریق پارس) هیئتی زیر ریاست «الفنستون» در ۱۸۰۸ به دربار شجاع الملک به پشاور می فرستند تا با او معاهده همکاری امضا کند:



* امضای معاهده با شجاع الملک به نام «شاه کابل» در پشاور در ۱۸۰۹؛

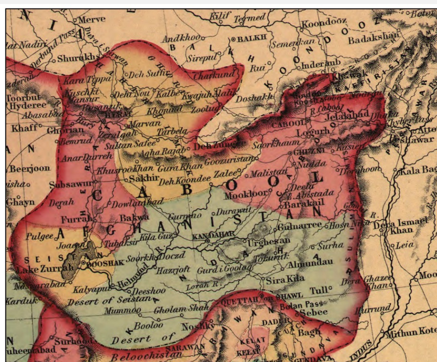
نشر اثر مشهور الفنستون بنام «گزارش سلطنت کابل» در ۱۸۱۵:
افغان ها نام عمومی برای کشورشان ندارند، نامی که توسط ساکنانش بر تمام کشور اطلاق می شود، خراسان است. اما من نام «افغانستان» را که برای آنها ناآشنا نیست، بر این محدوده می گذارم: محدوده ای از شمال به هندوکش، از شرق به رود سند تا مسکن بلوچان و سیوستان!

با پیشروی روسیه از شمال، بازی بزرگ در بین برتانیه/روسیه آغاز می‌شود و تاریخ منطقه را رقم می‌زند:
برتانیه دو بار به کابل لشکر می‌کشد (در ۱۸۳۹ با نصب شجاع الملک و دوست محمد در ۱۸۴۲ و در ۱۸۷۹ با نصب یعقوب خان و عبدالرحمن خان در ۱۸۸۰) **تا از نفوذ روسیه جلوگیری نموده و یک منطقه/دولت حایل با روسیه ایجاد کند** (واژه افغانستان در جریان این سده به مفهوم «جنوب هندوکش یا کابل و قندهار» وارد آثار دانشمندان اروپایی می شود: نقشه ها (در «کشور کابل»!، مقالات/کتابها و معاهدات):



۱۸۱۵


۱۸۲۸



۱۸۵۷

* معاهده با کامران به نام «شاه هرات» در ۱۸۳۹؛

* معاهده با دوست محمد به نام «والی/حاکم کابل و مناطق افغانستان که در اختیار او است» در ۱۸۵۷؛

* معاهده با یعقوب خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۷۹؛

* معاهده با عبدالرحمن خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۹۳ (مرز دیورند)؛

* معاهده با حبیب الله خان به نام «شاه افغانستان و متعلقات آن» در ۱۹۰۵؛

امیرحبیب الله حتی در «سراج التواریخ» خودش (۱۹۱۳) به نام «پادشاه افغانستان و ترکستان متعلقه آن» نامیده شده است.

دوره سوم – افغانستان یعنی نام عمومی کشور پس از اعلان استقلال (از ۱۹۱۹ تا کنون)

* معاهده صلح (و استقلال) راولپندی با نماینده امان الله به نام «**حکومت افغانستان**» در ۱۹۱۹؛

* ایجاد نهاد های دولتی (قوای اجراییه، قضاییه و مقننه)، تقسیمات اداری کشور، قوانین (نظامنامه ها) و...

به این ترتیب، پسوند های «متعلقات – Dependencies» و «ترکستان» از آن حذف شده و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور شده است!



وقتی که نام افغانستان به مفهوم جنوب هندوکش (کابل و قندهار) در منابع انگلیسی یاد می‌شد، این سرزمین‌ها در منابع داخلی و توسط مردم آن با کدام نام‌ها نامیده می‌شدند؟

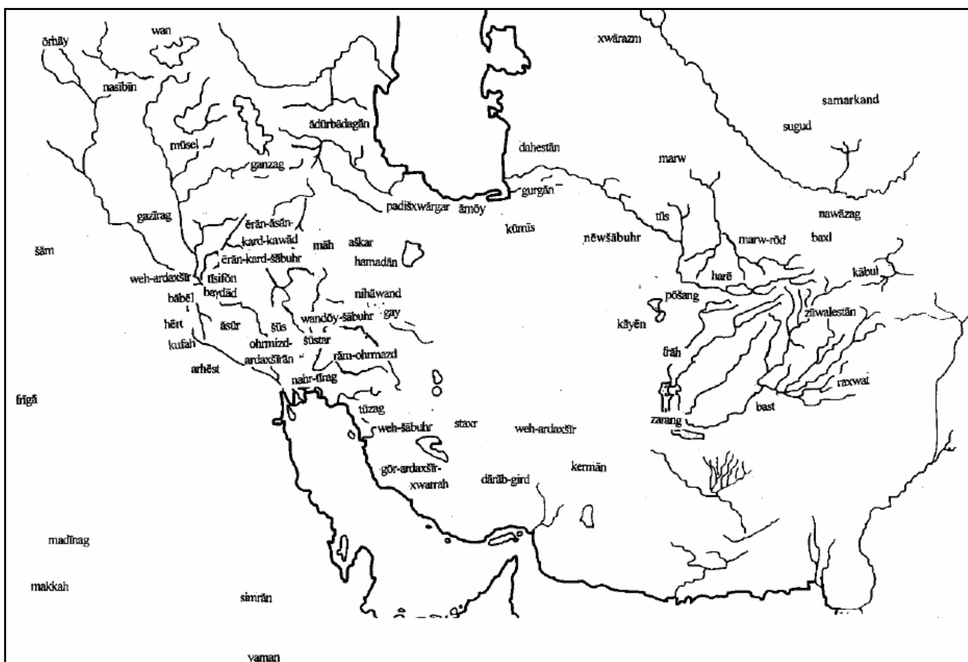
برای پاسخ به این سوال باید «پیشینه واژه خراسان» را مطالعه کنیم!

پیشینه واژه خراسان

دوره پیش از اسلام

واژه خراسان بار اول در اواخر سده پنجم (حوالی ۵۰۰ م) به عنوان بزرگ ترین حوزه (کوست) به مناطق شمال شرق قلمروی «ایرانشهر» ساسانیان (سمرقند، سغد، خوارزم، بلخ، مرو، هرات، توس، نیشاپور، گرگان و...) و «نیمروز» به مناطق جنوبی آن (کابل، بست، فراه، زابلستان، زرنگ، کرمان و...) در اثر مشهور «شهرستان های ایرانشهر» استفاده شده است.

* همچنان گفته میشود که **شاهان یفتلی** (420 - 567 م) نیز در همین سده، خود را "خراسان خوتای" خوانده اند و این لقب را در مسکوکات خود بکار برده اند.





دوره پس از اسلام

منابع عربی (سده های 3 و 4 ق):

* **تقسیم جهان** دربین 3 پسر فریدون: **شرق** (ترک و چین) به تور، **غرب** (روم و مصر) به سلم و **میانه** (ایران، ایرانشهر) به ایرج.

* **تقسیم ایران** به 4 **سپهبد**: **شرق** (خُراسان)، **غرب** (خُربران)، **شمال** (آذربایجان) و **جنوب** (نیمروز). تمام این ولایات یک مملکت بود، یک پادشاه و یک زبان داشت (با لهجه های متفاوت)؛ چون پهلوی، دری، آذری و دیگر زبانهای پارسی. پایتخت شان در بلخ قرار داشت و بعد به مداین عراق انتقال گردید.

* **تقسیم خراسان** به 4 **مرزبان**: **مروشاهجان، بلخ و طخارستان، هرات و سجستان، ماورالنهر** (بلخ پایتخت و وسط خراسان پنداشته میشود که تا فرغانه، خوارزم، ری{تهران}، کرمان، سیستان، کندهار، ملتان، کابل و کشمیر 30 منزل فاصله دارد).



* **تقسیم خراسان** به 4 **شهر** (اصطخری، ابن حوقل و مقدسی: 345-375 ق):
مرو، بلخ، هرات و **نیشاپور** (جدا ساختن قسمی ماورالنهر، خوارزم و سجستان از محدودهٔ خراسان).

قلمرو خراسان (پس از سده دهم) با چهار شهر مشهور شناخته می‌شود (که از تهران تا بدخشان و از رود سند تا آسیای میانه گسترش دارد): بلخ، هرات، مرو و نیشاپور.

البلدان یعقوبی (۸۹۱ م)

بلخ شهر بزرگ تر خراسان است و پادشاه خراسان شاه طرخان در آنجا منزل داشت... شهر **بلخ** وسط خراسان است، چنان که از آنجا تا **فرغانه** سی منزل بطرف مشرق است و از آنجا تا **ری** سی منزل بطرف مغرب. از آنجا تا **سیستان** سی منزل بطرف قبله و از آنجا تا **کابل** و **قندهار** سی منزل، و از آنجا تا **کرمان** سی منزل و از آنجا تا **کشمیر** سی منزل، و از آنجا تا **خوارزم** سی منزل و از آنجا تا **ملتان** سی منزل.



منابع پارسی:

رودکی سمرقندی ۹۴۰ در مورد سامانیان

نه کس بدند ز آل سامان دایم به امارت خراسان مشهور
اسماعیل است و احمدی و نصری دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور

عنصری بلخی ۱۰۴۰ در مورد محمود غزنوی

خورشید خراسان و خدیو زابل ارنخشب و کش بهار گردد کابل

ناصر خسرو بلخی ۱۰۶۰

سلام کن ز من ای باد، مر خراسان را مر اهل فضل و خرد را، نه عام و نادان را
خاک خراسان چو بود جای ادب معدن دیوان ناکس اکنون شد
گرچه مرا اصل خراسانی است از پس پیری و مهی و سری
مرا مکان به خراسان به یمگانست کسی چرا طلبد در سفر خراسان را

مولوی ۱۲۷۳ (مغولان)

از خراسانم کشیدی تا بر یونانیان تا درآمیزم بدیشان تا کنم خوش مذهبی

جامی ۱۴۸۵ (تیموریان)

هر جا که رفت زورق حافظ به بحر شعر جامی سفینه تو ز دنباله می رود
نظم تو می رود ز خراسان به شاه فارس گر شعر او از فارس به بنگاله می رود

امیرعلی شیر نوایی ۱۴۹۰ (تیموریان)

در خراسان نتوان گفت کس خرم نیست کس در روی زمین یافت نشود خرم کو

بابرنامه ۱۵۳۰: هندوستانی **غیرهندوستانی را خراسانی** می گوید. آن چنان که عرب، غیرعرب را عجم می نامد!

احمدشاه درانی در «بنای شهر جدید قندهار – ۱۷۴۷»،

دمی که شاه شهامت مدار احمدشاه باستواری همت بنای شهر نهاد
جمال ملک خراسان شد این تازه بنا ز حادثات زمانش خدا نگه دارد

در مهُر و سکه احمدشاه درانی: مژده که شد پادشاه میرِ جهان پهلوان احمد گیتی ستان، وارث تخت کیان

تیمورشاه در «تاج گذاری – ۱۷۷۲»،

کابل امروز به آیین کیان جشن گرفت که نهد تاج بسر شاه خراسان امروز

شاه شجاع در تاریخ «واقعات – ۱۸۳۵» خود؛

از احمدشاه تا شاه شجاع در «تاریخ احمد – ۱۸۵۰»؛

شاه شجاع و امیر دوست محمد در تاریخ «نوای معارک – ۱۸۵۵»؛

امیر محمد افضل در «مُهر – ۱۸۶۶» خود

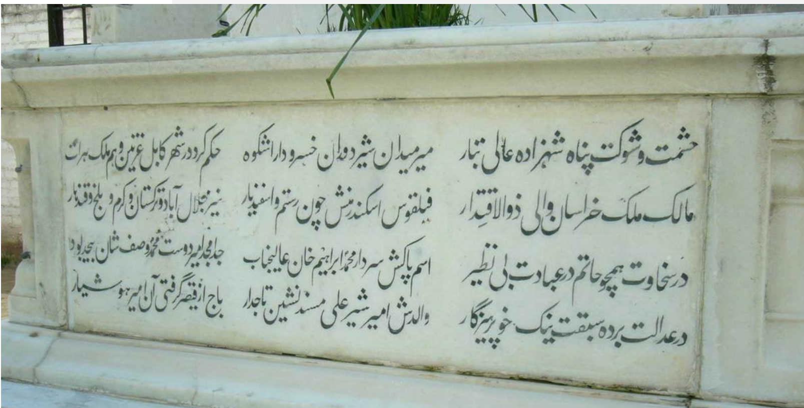
دو فوج مشرق و مغرب ز هم مفصل شد امیر ملک خراسان محمد افضل شد

اعظم خان در «گلشن امارت – ۱۸۷۰» (در مورد مرگ اعظم خان در بسطام)،

یارب بحق شاه خراسان امیر آن فغفر له بفضلک یا منشق القبور

امیر شیرعلی در تاریخ «گلشن امارت – ۱۸۷۰» و «سنگنبشته آرامگاه پسر خود – ۱۹۰۴» شاهان، امرا و حاکمان «خراسان» نامیده شده اند!

حشمت و شوکت پناه شهزاده عالی تبار — مالک ملک خراسان والی ذوالاقتدار
اسم پاکش سردار محمد ابراهیم خان عالیجناب — والدش امیرشیرعلی مسند نشین تاجدار
حکم کرد در شهر کابل، غزنین و هم ملک هرات — نیز جلال آباد و ترکستان و کرم و بلخ و قندهار
جد امجد امیردوست محمد وصف شان بی حد بود — باج از قیصر گرفتی آن امیر هوشیار



آن گونه که خارجی ها «ایران» را تا ۱۹۳۵ «پارس» می نامیدند، نام «افغانستان» یا کوههای سلیمان را در ۱۸۱۵ بر بخشی از خراسان (کابل و قندهار) گذاشتند تا این که در ۱۹۱۹ نام عمومی کشور شد!

بیلیو در دو اثر خود در ۱۸۸۰ و ۱۸۹۱ می گوید:
مردمان این سرزمین، کشور خود را «خراسان» گویند، اما خارجی ها آن را «افغانستان» نامیده اند!

پس از اعلان استقلال افغانستان توسط امان الله (در ۱۹۱۹)، پسوند های «متعلقات» و «ترکستان» حذف شده و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور گردید!

و به این ترتیب خراسان، افغانستان شد!

در حالی که در «تاریخ احمدشاهی – ۱۷۷۳» و «تاریخ حسین شاهی – ۱۷۹۸» واژه «افغانستان» وجود ندارد!

روند دولت-ملت سازی در افغانستان

(پیشینه مرض)

جغرافیای افغانستان در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) مرزبندی شد:

عبدالرحمن پدر دولت سازی («متمرکزسازی») در افغانستان است!

استقلال افغانستان در زمان امان الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹) اعلان شد:

امان الله مادر ملت سازی («افغان‌سازی») در افغانستان است!

«پشتون/پشتو سازی» در زمان ظاهرشاه آغاز شد!

قوم من ! ای توده والا نژاد	وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی	تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا	حافظ کهسار و قلب اسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی	یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز	هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن	قصر ملت را بر ان تعمیرکن

(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)

فاشیزم چیست؟
تفاوت فاشیزم هتلری و فاشیزم افغانی

*** فاشیزم اندیشه «برتری خواهی» یا «تفوق طلبی» بر بنیاد نژاد/قوم، زبان/فرهنگ، دین/مذهب وغیره است!**

*** فاشیزم می تواند دولتی، سازمانی، گروهی یا فردی باشد؛**

*** اندیشه های فاشیستی در سطح افراد و گروهها، حتی در پیشرفته ترین کشورها وجود دارد (**که زیاد مهم نیست!**)، اما ارتقای این اندیشه ها در سطح «احزاب سیاسی» و به ویژه «قدرت/اقتدار دولتی» منجر به فاجعه اجتماعی برای جامعه/بشریت می شود!**

*** فاشیزم هتلری، فاشیزم دولتی بود که (**با زبان و فرهنگ پیشرفته و دانش و فناوری علمی**) خواهان برتری نژادی خود (آریایی) و الحاق سرزمین های دیگران بود؛ اما در پی تحمیل هویت خود و مخالف علم و دانش و زبان و فرهنگ دیگران نبود.**

*** فاشیزم افغانی، فاشیزم دولتی است که (**با زبان و فرهنگ عقب مانده و «مظلومیت نمایی»: شکوه از حاکمیت زبان و فرهنگ پارسی**) برعلاوه برتری خواهی قومی-زبانی خود (افغان/پشتون) و الحاق سرزمین های دیگران، در پی تحمیل «هویت قبیلوی» خود (**نابودی زبان و فرهنگ دیگران**) و مخالف علم/دانش و فرهنگ/تمدن بشری بوده و جامعه/کشور را به قرون وسطا سوق می دهد!**

روند ملت سازی در کشور: ۱. افغان‌سازی



مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

زبان افغانی اجداد زبانهاست

این بیانات مارا بعضی برتعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ وثقیل کلفت را که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبان‌ها ؛ وافغانهای به‌این کمنامی و کم عددی ، وساده‌گی ، وکوهستانی ووحشی را میخواهد اجدادیك کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

دوره امیرحبیب الله (۱۹۰۱ – ۱۹۱۹): محمود طرزی در سراج الاخبار ۱۹۱۳:

«زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی است» (ترکهای جوان/پانترکیزم: «ترکیه تنها از آن ترکان است»)!

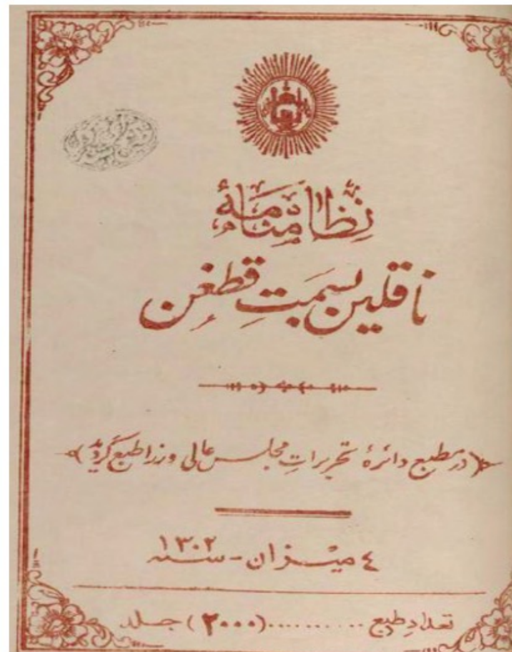
ظهور اندیشه افغانیزم (برتری قومی – زبانی افغان)

دوره امیرامان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹): «نظامنامه ناقلین به سمت قطغن»، تبدیل پول از «روپیه کابلی» به «افغانی» و نوشتن نخستین «تاریخ/تاریخچه افغانستان»!

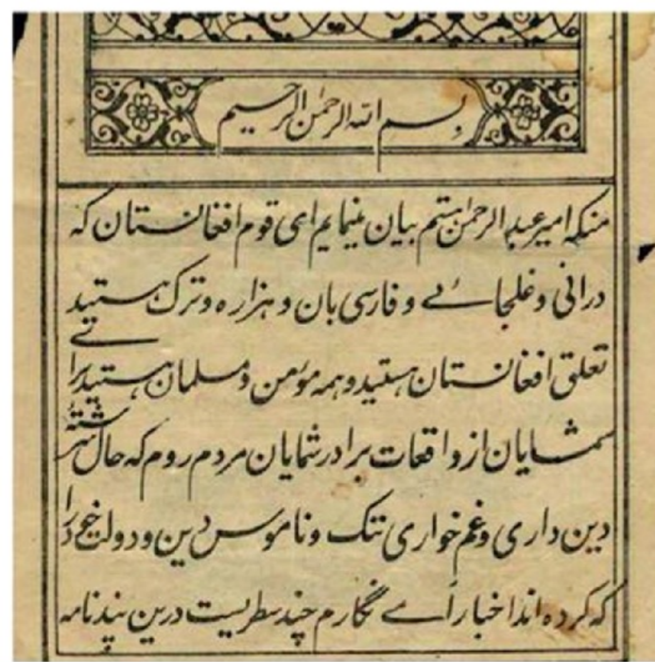
نخستین گام های عملی











بسم الله الرحمن الرحیم

منکه امیر عبدالرحمن هستم بیان مینمایم ای قوم افغانستان که
درانی وغلجایی و فارسی بان و هزاره و ترک هستید
تعلق افغانستان هستید و همه مومن و مسلمان هستید برای
شمایان از واقعات برادر شمایان مردم روم که حال
دین داری وغمخواری تنگ و ناموس دین و دولت
که کرده اند اخبار ای نگارم چند سطریست درین پندنامه

* افغان ها تا دوره **امیرامان الله** «**نَسَب قبیلوی**» خود را «**هویت قومی**» خود می دانستند و خود را با آن معرفی می کردند (نه افغان/پشتون): مانند **درانی، غلجایی، محمدزی، توخی، وزیری، خوگیانی و...**

نسب قبیلوی = هویت قومی

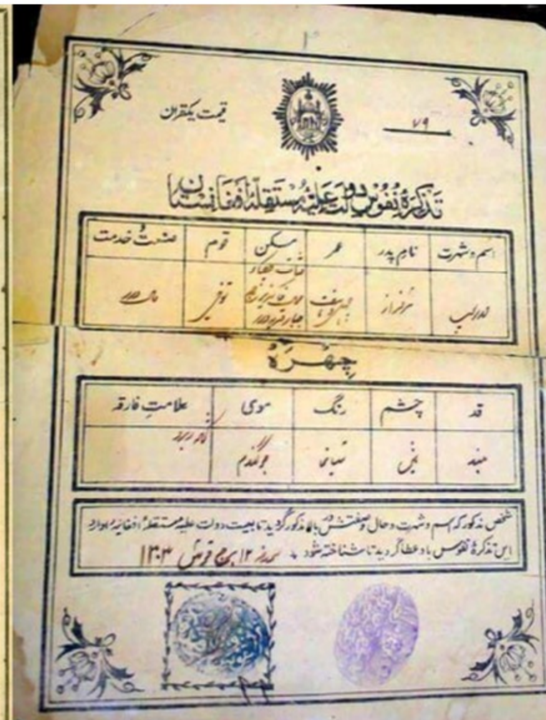
* پند نامه امیرعبدالرحمن (۱۹۰۰)؛

* تذکره/شناسنامه امیرامان الله (۱۹۲۱) و دیگران؛

* منار علم و جهل دهمزنگ/کابل (شهدای جنگ استقلال، ۱۹۲۵)؛

* به گمان غالب، نام «افغان» توسط پارسیان بر آنها گذاشته شده و اصطلاح قوم «**افغان**» یا «**پشتون**» در بین آنها معمول نبوده است (چنانچه در هند نیز به نام «**پتان**» نامیده شده اند)!







دوره امیرحبیب الله کلکانی (۱۹۲۹): حکومت ۹ ماهه تاجیک ها

دوره نادرشاه (۱۹۲۹ – ۱۹۳۳): ایجاد «انجمن ادبی کابل» و رسالات غبار «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن» در ۱۹۳۱ و «تاریخچه مختصر افغانستان» در ۱۹۳۲: افغان نامیدن سامانیان، غزنویان و... پیشینه تاریخی چندهزار ساله برای «کشور افغانستان»!



صفحهٔ (۳۹) سال اول ـ مجلهٔ کابل شمارهٔ (۲)

بقلم میرغلام محمد (افغانستان و نگاهی بتاریخ آن)

۱۵ سرطان ۱۳۱۰

تاریخچهٔ مختصر افغانستان

نگارش جناب میرغلام محمدخان غبار

عضو انجمن ادبی کابل

سالنامه کابل ۱۳۱۱

۲. تاریخ سازی برای افغان و افغانستان

۳. پشتو/پشتون‌سازی

دوره ظاهرشاه (۱۹۳۳ – ۱۹۷۳): (صدارت هاشم خان ۱۹۲۹ – ۱۹۴۶)

پروسه تبدیل نام زبان از افغانی به پشتو در دوره ظاهرشاه:

ظاهرشاه (۱۹۳۵)	امیرامان الله (۱۹۲۱)	امیرحبیب الله (۱۹۱۷)
معلم پښتو	اول کتاب افغانی	کتاب اول افغانی

سواد فرمان ذات شاهانه

«ج،ع،ج، ۱۰۱، نشان‌عم محترم سردار شاه ولی خان غازی وکیل صدراعظم!»

«مسلم است مسئلهٔ زبان در وحدت ملیه وحفظ آداب وشعایر یك ملت اثرات معتنابهی داشته وتوجه باین موضوع ازجلهٔ ضروریات حیاتیهٔ یك مملکت بشمار میرود.

چون در مملکت عزیزما ازطرفی زبان فارسی مورد احتیاج بوده و از جانب دیگر بعلت اینکه قسمت بزرگ ملت مابه‌لسان افغانی متکلم ومامورین ملی‌الاکثر بسبب ندانستن زبان پشتو دچار مشکلات میشوند، لهذا برای رفع این نقیصه وتسهیل معاملات رسمی واداری اراده فرموده ایم همچنانکه زبان فارسی در داخل افغانستان زبان تدریس وکتابت است در ترویج واحیای لسان افغانی هم سعی بعمل آمده از همه اول مامورین دولت این زبان ملی را بیاموزند و آنرا درمحاوره وکتابت شامل کنند. شما بوزارات ونائب الحکومگی ها وحکام اعلی وقوماندانیت های عسکری وتمام دوایر رسمی امر بدهید که مامورین کشوری ولشکری مربوط خود را مکلف نمایند که تا مدت سه سال لسان افغانی را آموخته در محاوره وکتابت مورد استفاده قرار دهند تا خدا بخواهد عموم مامورین افغانستان بزبان افغانی هم تکلم وکتابت توانسته در امور مملکتی تسهیل وبرای آنها ورعایا ازین جهت تکلیفی عاید نباشد.»

(محل امضای اعلیحضرت همایونی)

سالنامه کابل، عقرب ۱۳۱۵ (۱۹۳۶)

* فرمان تعمیم «زبان افغانی» در ۱۹۳۶ توسط ظاهرشاه؛
* ایجاد «پشتو تولنه» در ۱۹۳۷ برای «پشتوسازی»؛
* ایجاد «انجمن تاریخ» در ۱۹۴۲ برای «تاریخ سازی»؛

تحمیل هویت قومی، زبانی و فرهنگی قبیله

هتلر: «نژاد آریایی»

* **افغان – سازی** اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک وغیره)؛
* **پشتون – سازی** قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛
* **پشتو – سازی** زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!

توصیه عبدالحی حبیبی به شاه جوان (ظاهرشاه) در ۱۹۳۸

قوم من ! ای توده والا نژاد — وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی — تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا — حافظ کهسار و قلب اسیا
گریزرگی خواهی و ازادگی — یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز — هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن — قصر ملت را بر ان تعمیرکن

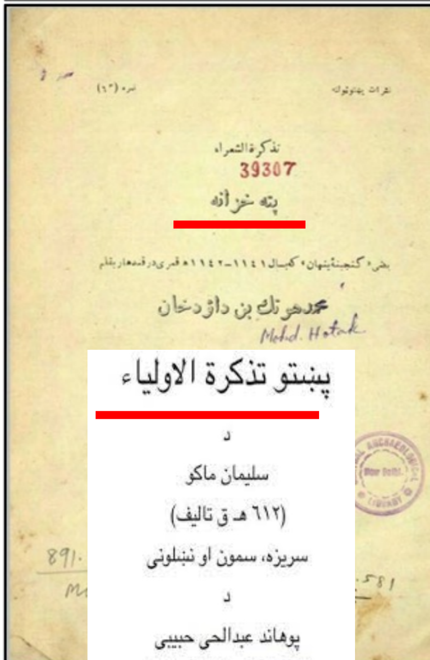
(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)

* اختراع «تذکرة الاولیاء سلیمان ماکو» در ۱۹۴۰ و
«پته خزانه محمد هوتک» در ۱۹۴۴ توسط حبیبی
(در مقابله با پیشینه زبان پارسی و اعتراف در ۱۹۵۱ در پاکستان)؛

برنامه دولت/ملت – سازی بر پایه «شمشیر» هاشم خان

* به رسمیت نشناختن پاکستان و مرز دیورند (۱۹۴۷)؛
* «لغو معاهدات پیشین» در جرگه ۱۹۴۹ و
* «ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان»؛
* تبدیل «پارسی» به «دری» (در قانون اساسی ۱۹۶۴)؛
* «هر کس از افغانستان است، افغان است»؛
* اختراع «مصطلحات ملی»:
(پوهنتون/دانشگاه؛ پوهنزی/دانشکده؛
دانشجو/محصل، دادگاه/محکمه،
شهرداری/شاروالی و...
عدم کاربرد «واژه های ایرانی»)!

۴. تاریخ سازی برای پشتو






آزاد افغانستان
شماره (۲) سال (۱)
ارگن حزب سیاسی آزاد افغانستان
هفته یکبار نشر میشود
موسس: عبدالحی حبیبی رئیس ترقی افغانستان آزاد

من نمیدانم خاندانی که اجدادشان بخیانت و وطن فروشی از خاک افغانستان رانده شده‌اند، و اولادشان در خاک دیره دون و هند پیدا و تربیه گردیدند، هنوز هم زبان قانلی پشتو را که زبان مادری خود شان است نمی‌دانند، و نه روان صحبت کرده میتوانند، و در خانه‌های خود هندی گپ میزنند، و تا دیروز بسبب خیانتهای خود از خاک افغانستان رانده شده بودند، با آن سوابق ننگین و اجنبی پرستی‌های تاریخی، چگونه بخاک افغانستان صادق شدند؟ ولی امثال ما مردم که عمری را در تنویر اذهان و خدمات علمی و ادبی کشور عزیز صرف کرده‌ایم، و زبان ملی مرده و نامرتب (پشتو) را زندگی ادبی و تاریخی بخشیده‌ایم، بعلت اینکه ملت آواری و ستمگاری و یغماگری و چور و چپال مسلسل آل یحیی را انتقاد میکنیم، از شرف افغانیت و وطنیت و ملیت محروم شویم، عجبا!

دوره داود (۱۹۷۳ – ۱۹۷۸): تداوم...

تداوم افغانیزم/پشتونیزم: قومی-شدن سیاست و سیاسی-شدن قومیت (به شکل نیمه مخفی)

دوره کمونیست ها [ترکی، امین، کارمل (اشغال شوروی) و نجیب: ۱۹۷۸ – ۱۹۹۲]:

* ایجاد و تجزیه احزاب «چپ» و «راست» بر بنیاد قومیت؛

* دیکتاتوری کمونیستی (کشتار جمعی)؛ نخستین صدراعظم هزاره!

دوره مجاهدین (مجددی و ربانی: ۱۹۹۲ – ۱۹۹۶):

* ایجاد هرج و مرج (حکومت ۵ ساله تاجیک ها)؛

* تشدید جنگ توسط حکمتیار به خاطر جلوگیری از «استقرار حکومت تاجیک ها»؛

دوره طالبان (ملا عمر: ۱۹۹۶ – ۲۰۰۱):

* دیکتاتوری مذهبی/قومی؛

* استقرار دوباره فاشیزم دولتی (افغانیزم/پشتونیزم به شکل علنی)!

«زوال پشتون ها در افغانستان»،
احدی (۱۹۹۵)

دوره طالبان... تداوم فاشیزم دولتی

زوال پشتون ها در افغانستان، احدی (۱۹۹۵)

برنامه فاشیستی «سقاوی دوم» برای جلوگیری از سقاوی سوم (به قدرت رسیدن تاجیکان)

سقاوی اول: سقوط امان الله در ۱۹۲۹ توسط حبیب الله کلکانی «تاجیک»!

سقاوی دوم: سقوط نجیب الله در ۱۹۹۲ توسط مسعود/ربانی «تاجیک»!

دویمه سقاوي

سمسور افغان





۱۳۷۷ل

(۱۹۹۸)

* **پذیرش اکثریت بودن افغان/پشتون ها** (که حدود ۶۰٪ اند و آن هم بدون «سرشماری»)**!**

* **پذیرش هویت افغانی/پشتونی دولت-ملت افغانستان** (کشور افغان/پشتون هاست؛ دیگران «مهاجر» اند: تاجیک ها به تاجیکستان، اوزبیک ها به اوزبیکستان و هزاره ها به گورستان بروند)**!**

* **ساکن سازی افغانان در شمال کشور** (برای جلوگیری از تجزیه توسط تاجیکان، اوزبیکان و...)؛

* **توزیع دشت های شمال کابل به افغانان برای تغییر ترکیب قومی و جلوگیری از تهاجم تاجیکان به شهر کابل** (چون دولت افغان ها دو بار از همین مسیر سقوط داده شد)؛

* **تصفیه مردم پنجشیر از آن جا و توزیع آن برای افغانان؛**

* **ساکن سازی افغانان در بامیان و سرحدات ایران برای جلوگیری از تعاملات ایران** (با شیعیان)؛

* **سانسور تمام آثاری که از ایران وارد کشور می شود!**

اشغال امریکا: دوره کرزی – احمدزی (۲۰۰۱ – ۲۰۲۱)، افغانیزم/پشتونیزم: برنامه «سقاوی دوم» (ترور/تطمیع)
(اشتباهات بُن و پسا-بُن: «تسلیمی دولت و پذیرش ماموریت» توسط تاجیک ها)!

* در جلسه بن (۲۰۰۱) کرزی بر بنیاد «افغانیت/پشتونیت» تحمیل شد!

* در ماده ۶۴ قانون اساسی (۲۰۰۴) صلاحیت های «رئیس جمهور» معادل یک «دیکتاتور» و «غیرپاسخگو» است!

«خاطرات» رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا (۲۰۱۴):

* کرزی، طالبان را در شمال جاجا ساخت؛

* کرزی در نشست محرمانه در ارگ از من خواست تا در تضعیف و از بین بردن سران جبهه شمال با او همکاری کنم؛

* کرزی به من گفت: بزرگ ترین تهدید در برابر حکومت من جبهه شمال است، نه طالبان؛

* کرزی گفت: دست مرا در تقویه طالبان باز بگذارید تا بتوانم از آن طریق تفنگ سالاران را از بین ببرم!

* افغان – سازی اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک وغیره)؛

* پشتون – سازی قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛

* پشتو – سازی زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!

* تقویه طالبان و گسترش آنها در شمال؛

* ترور و «آلوده سازی» سران و فرماندهان ایتلاف شمال؛

* گسرش فساد و غارت ملیاردها دالر (مکتب/معلم/سرباز خیالی)؛

* راه اندازی انتخابات های تقلبی/گوسفندی؛

* تشدید پروسه تحمیل هویت قومی، زبانی و فرهنگی؛

* حذف زبان فارسی از سرود، گذرنامه، ادارات دولتی و...

* رهایی طالبان (تعادل در زندان ها و بمباران ها)؛

* تمرکز بخش های مالی/استخدامی ادارات در ارگ؛

* «سهمیه بندی قومی» کانکور؛

* توزیع اجباری «شناسنامه افغان»؛

* تجزیه سایر اقوام (۷۰) و اکثریت سازی پشتون ها؛

* تصفیه غیرافغان ها از ادارات دولتی؛

قوم‌سازی (اکثریت/اقلیت‌سازی): توحید ۱۳۵ قبیله افغان در یک قوم (پشتون) و تقسیم سایر اقوام به گروههای کوچک

قوم‌سازی در دوره غنی احمدزی

1: پشتون	25: جوگی	49 : قپچاق
2: تاجک	26: پامیری	50: دایمرک
3: هزاره	27: منجانی	51: میرسیده
4: اوزبیک	28: سنگلیچی	52: جمشیدیان
5:ترکمن	29: اشکاشمی	53: افشاریان
6:بلوچ	30: روشنایی	54: طاهریان
7:پشه ای	31: واخانی	55: سلجوقی
8:ایماق	32: شغنانی	56: تیموریان
9:نورستانی	33: ترک	57: برلاس- ارلات
10:عرب	34: قرلق	58:الخانی
11:قرغیز	35: تاتار	59: یفتلی
12:قزلباش	36: مغول	60: لغیان
13:گوجر	37: ساکایی	61: کاوی
14:براهوی	38: دولت خانی	62: قوزی
15:اهل هنود	39: تایمنی	63: ابکه
16:سیکان	40: ال بیگ	64: جغتایی
17:سادات	41: قزاق	65: گره یی
18:اومر	42: سجانی	66: کرم علی
19:پراچی	43: غزنویان	67 : شیخ علی
20:کرد	44: قوشخانیان	68: اورته بلاقی
21:شیخ محمدیان	45: بیات	69: اویغور
22:شاخیلان	46: نیماق	70: بابریان
23:خلیلی	47: نیکچی	71: فرملی
24:گوار	48: کهگداری	

پښتانه قبیلې

- 1 ابد اليان
- 2 ابراهيم خيل
- 3 اپريد ي (افريد ي)
- 4 اتمانخيل
- 5 اتمانزي
- 6 اتوال
- 7 احمد زي
- 8 اڅکزي
- 9 اد ريمزي (عبد الرحيمزي)
- 10 اد وزي
- 11 اد ين خيل
- 12 اسماعيل خيل
- 13 اسحٰق زي
- 14 اکاخيل
- 15 الياس خيل
- 16 امر خيل
- 17 اوريا خيل
- 18 الکوزي
- 19 علي زئي
- 20 اند ړ
- 21 اورکزي
- 22 اورمړ
- 23 بابړ
- 24 بابي (بابياني)
- 25 بړ يځ
- 26 بنګښ
- 27 بنوڅي
- 28 بېټني
- 29 بابکر خيل
- 30 بختيار
- 31 څمکني
- 32 فر ملي
- 33 پړ به
- 34 پړ انګيان
- 35 پڼي
- 36 پو پلزي
- 37 تر کا ڼي (تر کلا ڼي)
- 38 تره خيل
- 39 تر کی
- 40 ترين
- 41 تڼي
- 42 توخي
- 43 توري
- 44 جبار خېل
- 45 جد ون
- 46 جلال زي
- 47 جلواڼي
- 48 جمرياڼي
- 49 ځاځي
- 50 ځد ران
- 51 څوليزي
- 52 څينزي
- 53 حسين خېل
- 54 خبني، بنخي، خوخي، خابني خېل، بناخي خېل
- 55 خاکواني
- 56 خټک
- 57 خد وزي
- 58 خد وزي و خرخين
- 59 خروټي
- 60 خليل
- 61 خوږياني
- 62 خوند ي
- 63 خيسوري
- 64 خېشکي
- 65 د اؤد زي
- 66 د اوي
- 67 د رمان
- 68 د رې کوټي
- 69 د له زاک
- 70 د ستو خېل
- 71 د وتاني
- 72 د وړ
- 73 د ولت خېل
- 74 د ولت زي
- 75 د ينار خېل
- 76 رتن زي
- 77 رځړ
- 78 زاخېل
- 79 زموخت، زمبنت، زويمشت
- 80 زيرک، ځيرک
- 81 زېرماني
- 82 زېړاني
- 83 سافي، ساپي
- 84 سالار زي
- 85 سهاک
- 86 ستانکزي
- 87 ستانيزي
- 88 سبري
- 89 ستورياني
- 90 سد وزي
- 91 سرکاڼي
- 92 سرواڼي يا شېرواڼي
- 93 سرپيال
- 94 سړبني
- 95 سلطان خېل (غلځي)
- 96 سلطان خېل (نيازي)
- 97 سلېمان خېل
- 98 سنټيا
- 99 سنځر خېل
- 100 سوري
- 101 ساد ات يا سېد ان
- 102 شلماني
- 103 شملزي
- 104 شيتک
- 105 شيراڼي
- 106 شينواري
- 107 طوطا خېل
- 108 علي خېل
- 109 عمر خېل
- 110 عيسی خېل
- 111 غلجي يا غلزي يا غرزي
- 112 غرغښت
- 113 غرشين
- 114 غوريا خېل
- 115 کاسي
- 116 کاکازي
- 117 کاکړ
- 118 قلند ر خېل
- 119 قوال خېل
- 120 کړو خېل
- 121 کرلاڼي
- 122 کسايي
- 123 کوټي
- 124 کورم خېل
- 125 ګاړي
- 126 ګبري
- 127 ګګياڼي
- 128 ګنده پور
- 129 ګوربز
- 130 لالي يا ليلي وزير
- 131 لواڼي
- 132 لودي
- 133 لودين
- 134 ما کو
- 135 ماموند

راه حل/برونرفت: تداوی مرض

(دولت-ملت سازی عادلانه/دموکراتیک)

در دنیای علمی امروزی:

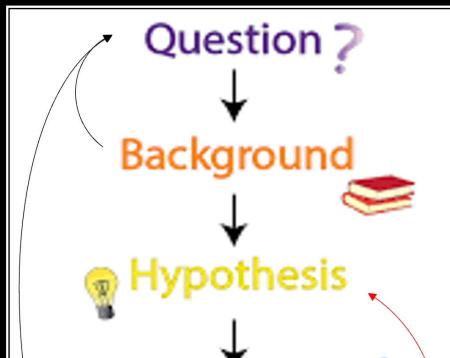
تقریبا در همه عرصه‌ها «رهنما، قاعده، شیوه، تجربه، نقشه و نمونه»ها وجود دارد؛

فقط آن‌ها را «به‌روز» و «بهینه‌سازی» کنیم؛

لازم نیست دوچرخه را از نو اختراع کنیم!

The Scientific Method

* طرح سوال/پرسش
* پیشزمینه (بررسی منابع)
* فرضیه‌ها
* تجربه (مشاهده/اندازه‌گیری)
  * آزمون و خطا
  * تجزیه/تحلیل/فرمولبندی
  * مودل/شبیه/بهینه-سازی
* نتیجه گیری



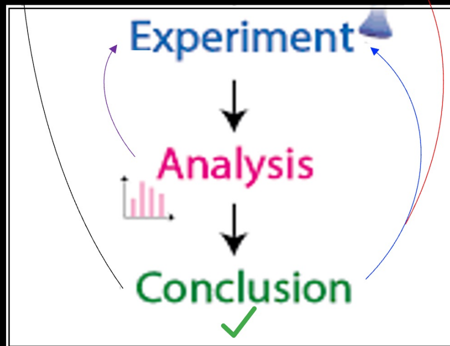
مودل سازی:
ساختن مودل (فزیکی شبیه اصل/کوچک/بزرگ؛ ریاضی، کمپیوتری وغیره) به منظور مطالعه عوامل یا دریافت متغییرهای اساسی و بهینه سازی آن؛

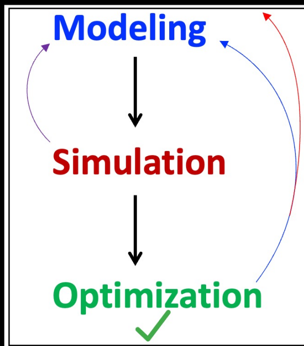
شبیه سازی:
مطالعه (تخنیکی، اقتصادی، محیطی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی وغیره) مودل یا راه‌اندازی آن با تغییر عوامل/متغییرهای اساسی و دریافت روابط یا اثرات هر یک از آنها بر یکدیگر؛

بهینه سازی:
بهسازی مودل با اعظمی/اصغری‌سازی هر یک از متغییرها (و ثابت نگهداشتن سایرین) و دریافت نقطه/ساحه بهینه مودل (بهترین نتیجه) برای کاهش متغییرها (خطر، قیمت، موثریت، کنترول وغیره)!

Trial & Error

SOLUTION TO THE PROBLEM → THE PROBLEM SOLVED? — NO → back to SOLUTION TO THE PROBLEM; YES → END



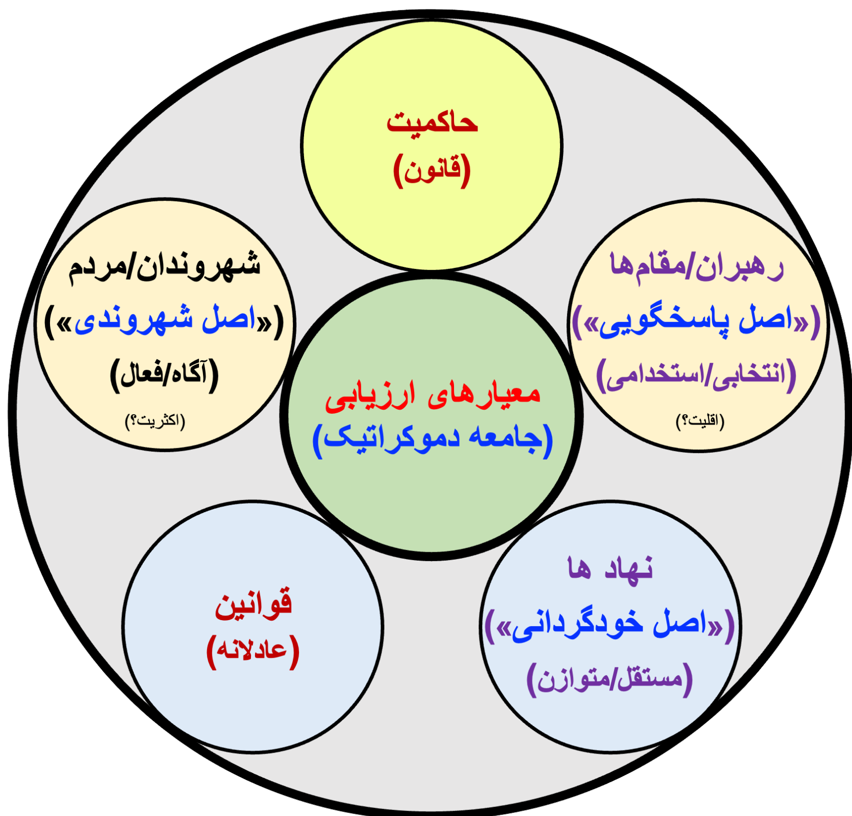


There is Blueprint/Manual, almost for everything;

just update & optimise it!

تشخیص (علایم) مرض: نظام (دولت-ملت) سازی: برتری‌خواهی (داخلی) و الحاق‌طلبی (خارجی)

- مشکلات داخلی (حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/بافتار نظام) ... شهروندان):
  - قوانین غیرعادلانه (رعیت‌محور: تبعیض/امتیاز قومی و حذف دیگران)؛
  - ساختار متمرکز (تمرکز قدرت: نهادهای غیرمستقل/غیرمتوازن)؛
  - حاکمان غیرمسئول (غیرانتخابی/غیرپاسخگو)؛
  - تاریخ‌سازی و دولت-ملت‌سازی قومی (افغان/پشتو/پشتون)؛
  - حاکمیت فردی/قومی (به جای حاکمیت قانون).
- مداخلات خارجی (پاکستان):
  - الحاق‌طلبی (ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان: «لوی افغانستان»).



با آنکه در ۱۰۰ سال گذشته، «نام نظام‌ها» تغییر کرده است (شاهی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک، دولت اسلامی، امارت اسلامی و جمهوری اسلامی)، اما «ماهیت» تمام آن‌ها یکسان (سیاه) بوده است!

بنابراین، آنچه مهم است، «ماهیت نظام» هاست که در «قانون اساسی» کشور تسجیل می شود!

حال، دو راه حل وجود دارد:

اول (راه حل نظامی):

- **ادامه برتری‌جویی و الحاق‌طلبی (توسط حاکمان) و انتقام‌جویی و خصومت (توسط محکومان) و...**

ادامه جنگ و خونریزی!

دوم (راه حل سیاسی):

- **اعتراف و پوزش‌خواهی (توسط حاکمان) و عفو و گذشت (توسط محکومان) برای «اعتمادسازی، گفتگو و تفاهم» جهت**

دریافت دارو و درمان!

تا وقتی راه دوم انتخاب نشود، این دور باطل و زخم خونچکان (راه اول) ادامه خواهد یافت!

تا وقتی برتری‌جویی و الحاق‌طلبی وجود داشته باشد، مبارزه و مقاومت نیز ادامه خواهد داشت!

راه حل سیاسی (تداوی مرض)

مشکلات سیاسی دایمی جوامع

۱. ماهیت نظام (تغییر ساختار/قانون)؛
۲. شخصیت رهبران (تعویض حاکمان)؛
۳. هر دو (تغییر نظام و تعویض حاکمان)!

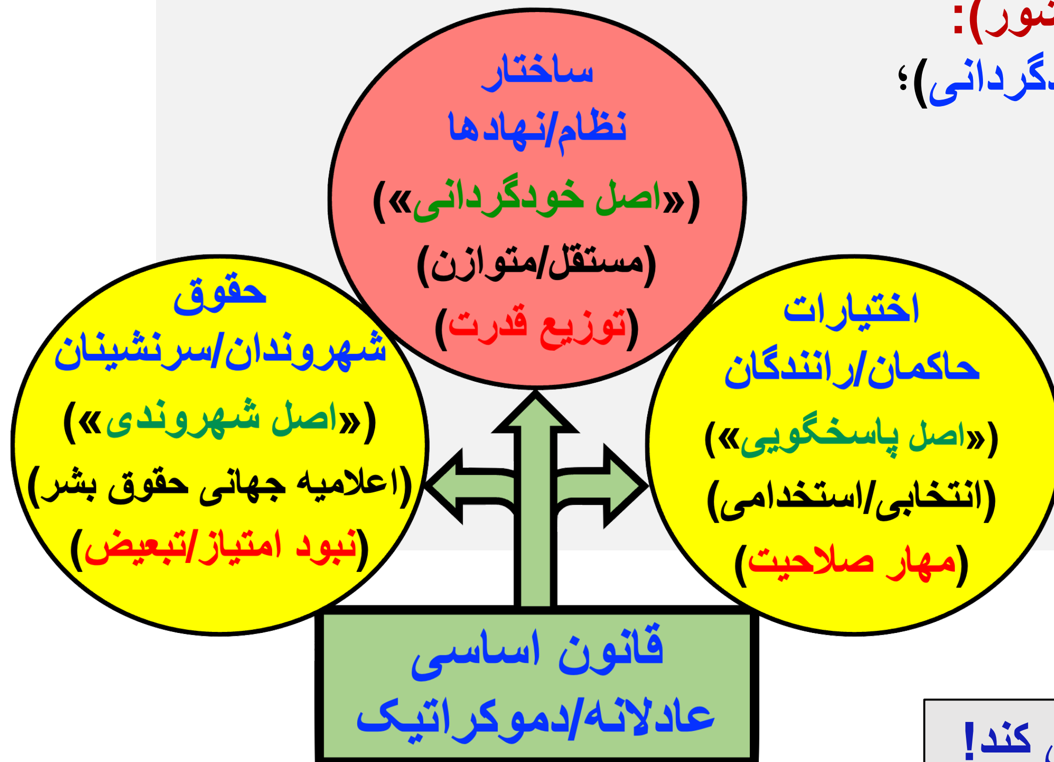
نظام عادلانه + حاکمیت قانون = جامعه دموکراتیک

۱. تدوین قوانین عادلانه (قانون اساسی = ماهیت نظام)

- حقوق شهروندان (سرنشینان: بر بنیاد ارزش‌های انسانی ۸ بلیون/جهان و ۳۰ ملیون/کشور):
  حقوق بشر، کثرتگرایی (احزاب سیاسی، جوامع مدنی و رسانه‌ها)، آزادی بیان/ادیان، نبود تبعیض/امتیاز (اصل شهروندی)؛
- ساختار نهادها (غیرمتمرکزسازی دستگاه قدرت بر بنیاد تجارب جهانی، ۲۰۰ کشور):
  توزیع افقی/عمودی قدرت (مستقل/متوازن) در مرکز و ولایات (اصل خودگردانی)؛
- اختیارات حاکمان (رانندگان پاسخگو):
  انتخاب رهبران و استخدام کارمندان (اصل پاسخگویی)؛

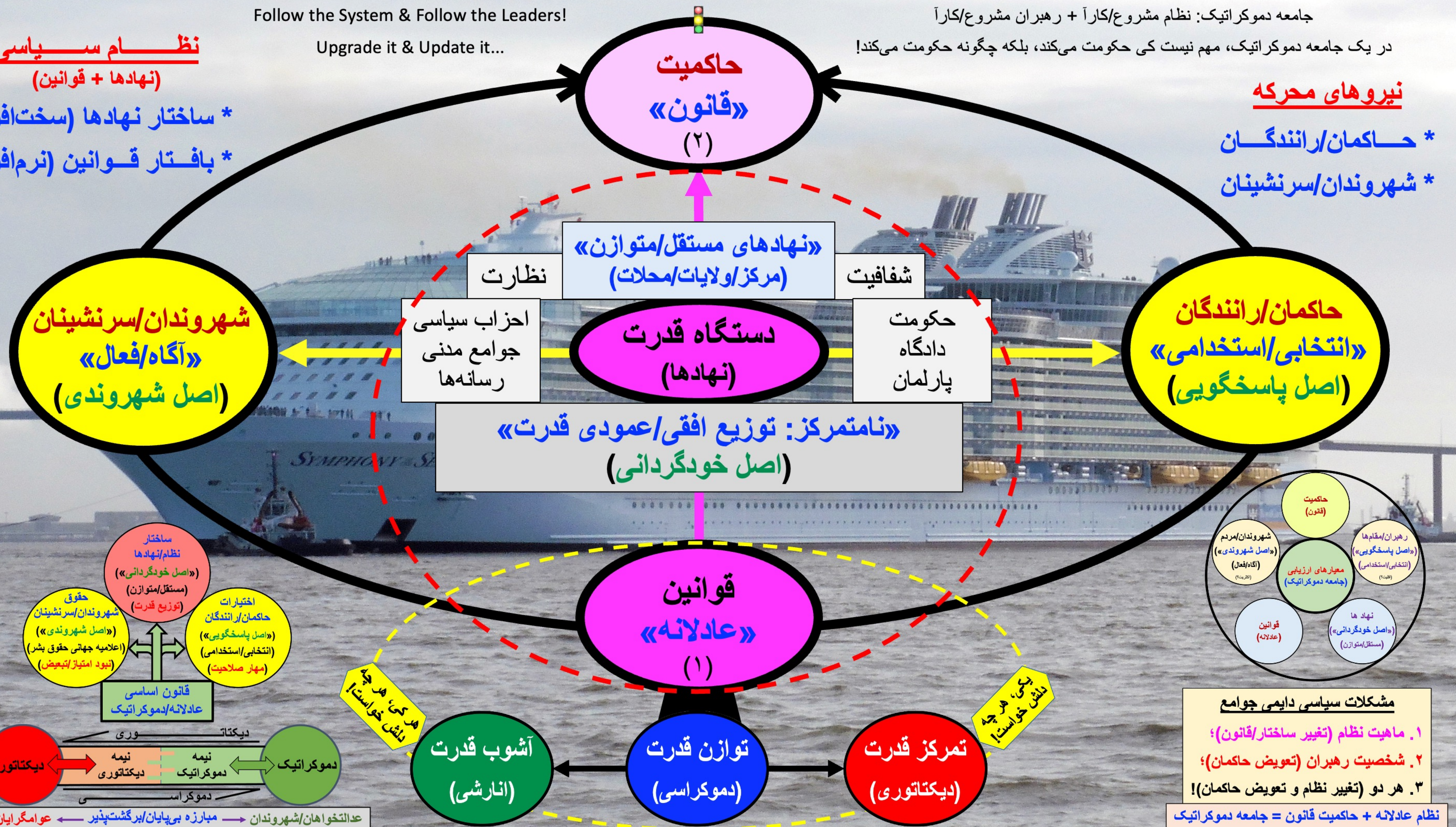
+ + +

- شناسایی مرزهای بین المللی: لغو ادعای ارضی (پاکستان)!



۲. تطبیق قوانین عادلانه (حاکمیت قانون = شخصیت رهبران)

دریک جامعه دموکراتیک مهم نیست کی حکومت می کند، بلکه چگونه حکومت می کند!


Follow the System & Follow the Leaders!
Upgrade it & Update it...
جامعه دموکراتیک: نظام مشروع/کارآ + رهبران مشروع/کارآ
در یک جامعه دموکراتیک، مهم نیست کی حکومت می‌کند، بلکه چگونه حکومت می‌کند!
نظـــام ســـیاسی
(نهادها + قوانین)
* ساختار نهادها (سخت‌افزار)
* بافـتار قـوانین (نرم‌افزار)
نیروهای محرکه
* حـــاکمان/رانندگـــان
* شهروندان/سرنشینان
حاکمیت
«قانون»
(۲)
«نهادهای مستقل/متوازن»
(مرکز/ولایات/محلات)
نظارت
شفافیت
احزاب سیاسی
جوامع مدنی
رسانه‌ها
دستگاه قدرت
(نهادها)
حکومت
دادگاه
پارلمان
شهروندان/سرنشینان
«آگاه/فعال»
(اصل شهروندی)
حاکمان/رانندگان
«انتخابی/استخدامی»
(اصل پاسخگویی)
«نامتمرکز: توزیع افقی/عمودی قدرت»
(اصل خودگردانی)
قوانین
«عادلانه»
(۱)
هر کی، هر چه دلش خواست!
یکی، هر چه دلش خواست!
آشوب قدرت
(انارشی)
توازن قدرت
(دموکراسی)
تمرکز قدرت
(دیکتاتوری)
ساختار
نظام/نهادها
(«اصل خودگردانی»)
(مستقل/متوازن)
(توزیع قدرت)
حقوق
شهروندان/سرنشینان
(«اصل شهروندی»)
(اعلامیه جهانی حقوق بشر)
(نبود امتیاز/تبعیض)
اختیارات
حاکمان/رانندگان
(«اصل پاسخگویی»)
(انتخابی/استخدامی)
(مهار صلاحیت)
قانون اساسی
عادلانه/دموکراتیک
دیکتاتـــــــــــــوری
دیکتاتوری
نیمه دیکتاتوری
نیمه دموکراتیک
دموکراتیک
دموکراســـــــــــی
عدالتخواهان/شهروندان ← مبارزه بی‌پایان/برگشت‌پذیر → عوامگرایان/شیادان
حاکمیت
(قانون)
شهروندان/مردم
(«اصل شهروندی»)
(آگاه/فعال)
(اکثریت؟)
معیارهای ارزیابی
(جامعه دموکراتیک)
رهبران/مقام‌ها
(«اصل پاسخگویی»)
(انتخابی/استخدامی)
(اقلیت؟)
قوانین
(عادلانه)
نهاد ها
(«اصل خودگردانی»)
(مستقل/متوازن)
مشکلات سیاسی دایمی جوامع
۱. ماهیت نظام (تغییر ساختار/قانون)؛
۲. شخصیت رهبران (تعویض حاکمان)؛
۳. هر دو (تغییر نظام و تعویض حاکمان)!
نظام عادلانه + حاکمیت قانون = جامعه دموکراتیک

نیازهای عمده‌ی شرایط کنونی

شخصیت‌ها، فرماندهان و رهبرانی به پا خیزند و رسالت پیشآهنگی مبارزه/مقاومت بر ضد طالبان را با ایجاد پایگاه‌ها و گسترش آن‌ها در سراسر کشور (و لابیگری، روشنگری، تظاهرات، اعتصابات وغیره در خارج کشور) بر دوش گیرند! **پس از سقوط طالبان:**

* ایجاد حکومت موقت/انتقالی؛

* تدوین قانون اساسی جدید (عادلانه/دموکراتیک)؛

* برگزاری انتخابات سراسری و دموکراتیک (ایجاد دولت ملی)؛

* حاکمیت قانون!

مردم و جامعه جهانی

کسانی را تحویل می‌گیرند که

در میدان عمل ایستاده شوند؛

توانایی ایجاد و مهار

فرصت‌ها و چالش‌ها

را داشته باشند!

🌺 برای شخصیت‌های بزرگ بن‌بستی وجود ندارد؛

🌺 زیرا آن‌ها (چنان باور/روحیه دارند که) راهی می‌یابند و یا راهی می‌سازند!

🌺 شخصیت‌های بزرگ نه تنها از سختی‌ها، چالش‌ها و خطرها نمی‌ترسند و شکایت نمی‌کنند؛

🌺 بلکه آن‌ها را بخش جداناپذیر و شرایط حتمی مبارزه و پیروزی می‌دانند؛

🌺 به استقبال آن‌ها می‌روند، آن‌ها را مهار می‌کنند و یا به فرصت‌ها تبدیل می‌نمایند!

من اگر برخیزم،

تو اگر برخیزی،

همه برمی‌خیزند!

من اگر بنشینم،

تو اگر بنشینی،

چه کسی برخیزد؟

سرفراز و کامگار باشید!